

امام شناسی در محضر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام - اصغر غلامی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۰ - ۳۷

## امام شناسی در محضر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

اصغر غلامی\*

چکیده: در این گفتار، مطالبی از امام رضا علیه السلام تحلیل می‌شود در این زمینه که: امامت منصبی الهی است و اختلاف مردم درباره جایگاه آن، ناشی از جهله است که به اندیشه بشری متکی است. خداوند با انتصاف امام در غدیر خم دین کاملی را به مردم عرضه کرد. شأن امام واجب الاطاعة بودن است که مستلزم عصمت می‌باشد و مردم قدرت تشخیص و شناخت فرد معصوم را ندارند. مقام امامت حضرت ابراهیم بعد از نبوت ایشان برتری مقام امامت به عنوان جانشینی خداوند در زمین را نشان می‌دهد. امام در امور دینی و دنیایی مردم نقش هدایت‌گری دارد و همچون خورشید نورانی، سرچشمه هدایت و نجات بخشی از تباہی و گمراهی است. امام، امین و حجت خدا بر خلق، خلیفه در بلاد، دعوت کننده به سوی خدا، معصوم، خزانه دار علم الهی، و با حلم و بردبازی مایه انسجام دین و عزت مسلمین است. مهمترین عامل مخالفت با امامت الهی، حسادت و فریب شیطان معرفی شده که عاقبت آن، آتش دوزخ خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امامت / عصمت / شناخت امام / امام - ویژگی‌ها / حکم عقل / جهل / مخالفت با امام / امام رضا علیه السلام - احادیث مربوط به امامت.

---

\*. دانشجوی دوره دکتری کلام امامیه، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

مرحوم کلینی در کتاب الحجه از کافی شریف، بابی با عنوان "باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته" گشوده و در این باب، دو حديث آورده است. حدیث اول کلمات

حضرت امام رضا علیه السلام در جمع اصحاب است که در بدرو ورود به مرو بیان فرموده‌اند. این حديث، طولانی و حاوی نکات دقیق و عمیق بسیاری درباره امام شناسی است که شرح و بسط آن بدون اغراق نیازمند تأییف کتابی مستقل و بزرگ است. اما در این گفتار، مروری اجمالی بر آن داریم و نکاتی در حاشیه و توضیح آن بیان می‌شود.

کلام سراسر نور حضرت امام رضا علیه السلام را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد. آن حضرت در ابتدای بیان می‌دارد که گزینش امام از سوی مردم در برابر معرفی امام الهی از سوی پیامبر اکرم ﷺ منی بر جهالت است قوای ادراکی بشر از دسترسی به حقیقت، امامت کوتاه است. بخش دوم حديث شریف، دلائل متعدد بر این مدعای ارائه می‌کند، از جمله عظمت مقام امامت و اختصاص آن به معصوم، نقش و جایگاه امام در امور دینی و دنیایی مردم، ابعاد وجودی امام و ویژگی‌های خاص امام الهی.

امام رضا علیه السلام با تبیین این دلائل، بر اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام تأکید می‌کند و بر ناممکن بودن شناخت و انتخاب امام از سوی مردم استدلال فرموده‌اند.

در بخش دیگری از سخنان امام رضا علیه السلام به آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و روی آوردن به آراء فریبنده‌ی بشری در انتخاب امام اشاره شده است. حضرت امام

رضاء<sup>علیه السلام</sup> در بخش چهارم از کلام نورانی خویش پس از اثبات مدعای و بیان آثار سوء تخلف از آن، مجدداً بر نفی حق انتخاب امام از سوی مردم تأکید فرموده‌اند.

بخش پایانی این حدیث نورانی را می‌توان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کل فرمایشات حضرت علی بن موسی الرضا<sup>علیه السلام</sup> شمرد.

### ۱- جهل، عامل اصلی عدم معرفت امام

حضرت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> مهمترین عامل اختلاف درباره امامت را جهل قوم معرفی می‌کند. براساس کلام آن حضرت، سبب این جهل قوم، اتکا به اندیشه‌ها و آراء خودشان است که به تعبیر ایشان، اختلاف کنندگان در امر امامت فریب آراء خود را خورده‌اند.

عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید:

كنا مع الرضا<sup>علیه السلام</sup> بمرو، فاجتمعنا في الجامع يوم الجمعة في بدء مقدمنا، فأداروا أمر الامامة و ذكروا كثرة اختلاف الناس فيها. فدخلت على سيد<sup>علیه السلام</sup> فأعلمه خوض الناس فيه، فتبسم<sup>علیه السلام</sup>، ثم قال: يا عبد العزيز! جهل القوم و خدعوا عن آرائهم ما به همراه امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در مرو بودیم که روز جمعه در آغاز ورودمان به این شهر، در مسجد جامع آن جمع شدیم. بحث امامت را مطرح ساختند و کثرت اختلاف مردم درباره آن را یادآور شدند. من بر آقای خویش (حضرت امام رضا<sup>علیه السلام</sup>) داخل شدم و ایشان را از فرو رفتن مردم دراین بحث خبر دادم. آن حضرت تبسیم کردند، سپس فرمودند: ای عبد العزيز! قوم دچار جهل شده و فریب آراء خود را خورده‌اند.

جهل در احادیث دو کاربرد دارد، گاهی در مقابل عقل و گاه در مقابل علم به کار می‌رود. به عنوان مثال در حدیث شریفی که لشکریان عقل و جهل معرفی شده‌اند، جهل



در مقابل عقل به کار رفته است. در همان حدیث شریف، جهل به عنوان یکی از لشکریان جهل، در مقابل علم به عنوان یکی از لشکریان عقل معرفی شده است (دری: کافی ۱/۱، ۲۳-۲۱، خصال، ص ۵۸۹-۵۹۱، علل الشرایع، ص ۱۱۳-۱۱۵). بر این اساس جهله که در مقابل علم قرار دارد، غیر از جهل در مقابل عقل و از لشکریان آن است.

البته جهل گاهی به معنای بی اطلاعی و ناآگاهی و گاه به معنای عدم پای بندی به لوازم معرفت به کار می‌رود، چنان که در عرف و نیز عرف فارسی زبان‌ها هم چنین است. به عنوان مثال، در عرف، هم به کسی که از روی ناآگاهی نسبت به مضرات سیگار، اقدام به استعمال آن می‌کند، نادان گفته می‌شود و هم به کسی که با آگاهی از این مطلب سیگار می‌کشد. اطلاق نادان در مورد نخست، به معنای ناآگاهی است و در مورد دوم، به معنای پای بند نبودن به لوازم دانش.

به نظر می‌رسد جهله که حضرت امام رضا علیه السلام به قوم نسبت می‌دهند، جهل در برابر عقل و به معنای عدم پای بندی به لوازم درک عقل است. عقل سلیم به روشنی حکم می‌کند که امامت منصبی الهی و شناخت آن خارج از حیطه درک اوست، لذا نظریه‌پردازی در این باره، مخالفت با حکم عقل و پای بند نبودن به لوازم درک عقل است. بدین روی امام رضا علیه السلام نظریه‌پردازی و اختلاف قوم درباره امامت را جهل قومی می‌دانند که فریب آراء خود را خورده‌اند.

## ۲- معرفی امام الهی توسط پیامبر اکرم علیه السلام

دیدیم که حضرت امام رضا علیه السلام علت اختلاف مردم درباره امامت را جهل ناشی از اتکاء به اندیشه خودشان معرفی فرمودند. آنگاه بلافاصله تعیین امام از سوی خداوند و معرفی

امام الهی توسط پیامبر اکرم ﷺ را یادآور شدند، این امر را کمال دین شمردند و تأکید کردند که هر کس گمان کند خدای بزرگ دینش را کامل نکرده، کتاب خدا را رد کرده و کافر است. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

انَّ اللَّهَ عَزَوَّجُلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ، فِيهِ تَبْيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ، بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْحَدُودُ وَالْاِحْكَامُ وَجَمِيعٌ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كُلُّهُ، فَقَالَ عَزَوَّجُلَّ: (مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ). وَأَنْزَلَ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ، وَهِيَ آخِرُ عُمْرَهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمُ الْإِسْلَامُ دِيَنًا). وَأَمْرَ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَلَمْ يَمْضِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًاً وَأَمَامًاً وَأَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ، وَتَرَكُهُمْ عَلَىٰ قَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ، وَاقْفَاهُمْ عَلَيْهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًاً وَأَمَامًاً وَمَا تَرَكُهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأَمَّةُ إِلَّا بَيَّنَهُ. فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَوَّجُلَّ لَمْ يَكُملْ دِينَهُ، فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ، وَمَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ، فَهُوَ كافِرٌ بِهِ.

به راستی خدای عزوجل جان پیامبرش را نگرفت تا این که دین را برای او کامل ساخت، و قرآن را برای او نازل فرمود که در آن بیان هر چیزی هست. و در آن، حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه را که مردم بدان نیازمندند، به صورت کامل بیان کرد و فرمود: "ما در این کتاب از هیچ چیزی فرو گذار نکردیم". و در حجه الوداع - که در آخر عمر پیامبر ﷺ بود - نازل فرمود: "امروز دین شما را برای شما کامل ساختم و نعمت ام را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم". و امر امامت از تمام دین است. و پیامبر از دنیا نرفت تا اینکه همه عالم دین امت را برای آنان بیان کرد، راهشان را روشن ساخت، آنها را بر جاده حق واداشت و علی علیه السلام را به عنوان پیشوا و امام آنان قرار داد. و از هیچ چیزی که امت بدان نیازمندند، صرف نظر نکرد مگر اینکه آن را بیان فرمود. پس هر کس

گمان کند که خدای عزوجل دین خود را کامل نساخته، در حقیقت کتاب خدا را رد کرده و هر کس کتاب خدا را رد کند، به او کافر است.

حضرت امام رضا علیه السلام تأکید می‌فرمایند که خداوند، دین را برای پیامبر کامل ساخت و قرآن را - که در آن همه چیز بیان شده - برای او فرو فرستاده و در نتیجه هر آنچه را که مردم بدان نیازمند هستند، به صورت کامل به پیامرش عطا فرمود.

می‌دانیم که پیامبر اکرم ﷺ در طول حیات شریف خود، به دلیل محدودیت‌های فراوان موجود، نتوانست همه معارف دین و علوم قرآن را به همه امت خویش تعلیم دهد. اما خداوند دین خود را برای آن حضرت کامل ساخت و بیان هر چیزی را با قرآن برای آن حضرت فرو فرستاد. البته دست مردم از فraigیری همه آنچه بدان نیازمندند، کوتاه ماند و علم قرآن نیز نزد آنان نبود تا با بهره‌گیری از آن همه معالم دینشان را دریابند. لذا خداوند برای کامل ساختن دین مردم و اتمام نعمت بر آنان، مقام امامت را قرار داد تا امام الهی، دین کامل را از پیامبر اکرم ﷺ فرا گیرد و با عالم شدن به جمیع علوم قرآن، راه پیامبر اکرم ﷺ را در بیان حلال و حرام و حدود و احکام ادامه دهد، و آنچه را مردم بدان نیازمندند - از معالم دینشان - به آنها بیاموزد و آنان را به راه حق رهنمون گردد.

به همین جهت امام رضا علیه السلام تأکید می‌فرمایند که امر امامت از تمام دین است. و زمانی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از سوی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان امام الهی معرفی شد، دین کامل به مردم ابلاغ شد. پس هر کس بر این باور باشد که خداوند دین خود را کامل نساخته، در حقیقت کتاب خداوند را رد کرده و کافر شده است.

### ۳- کوتاهی قوای ادراکی بشر، از دسترسی به حقیقت امامت

عقل سلیم به روشنی حکم می‌کند که شناخت حقیقت امامت، خارج از حیطه ادراک بشر است. لذا نظریه پردازی درباره امامت و قائل شدن حق انتخاب امام برای مردم، مخالفت با حکم عقل است. حضرت امام رضا علیه السلام بعد از یادآوری تعیین امام از سوی خداوند، به بیان ضرورت این کار می‌پردازند. آن حضرت می‌فرمایند:

هل يعرفون قدر الامامة و محلّها من الامة، فيجوز فيها اختيارهم؟! ان الامامة اجل قدرها و اعظم شأنها و اعلى مكانها و امنع جانبا و بعد غورا من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ببالولها بأرائهم او يقيموا اماما باختيارهم.

آیا موقعیت و جایگاه امامت را در میان امت می‌دانند تا انتخاب ایشان در آن جایز باشد؟! امامت اندازه‌ای فراتر و جایگاهی سترگ‌تر و موقعیتی بالاتر و آستانی فراتر و زرفایی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خودشان به آن برسند، یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند، یا به انتخاب خود امامی بگمارند.

براساس تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام امامت به معنای وجوب طاعت و حق امر و نهی است (بصائر الدرجات، ۵۰۹/۱، مختصر البصائر/۱۹۲، بحار الانوار/۱۴۲/۲۵). حق امر و نهی به طور مطلق، از آن خداوند است و تنها او می‌تواند چنین حقی را به دیگری عطا کند (ر ک: مفهوم امامت در پرتوایه ابتلای حضرت ابراهیم علیهم السلام، فصلنامه سفینه، ش ۱۷، ص ۱۲۰). لذا امام کسی است که از سوی خداوند منصوب شده و اطاعت‌ش به صورت مطلق بر بندگان واجب است (معانی الاخبار/۶۴). بر همین اساس تاکید شده که امامت عهدی از ناحیه خداوند است که به شخص معین واگذار می‌شود (بصائر الدرجات/۱/۴۷۲، بحار الانوار/۷۲/۲۳).

از سوی دیگر، وجوب طاعت مطلق مستلزم عصمت است، زیرا اگر امام واجب الاطاعة معصوم نباشد و صدور گناه و عروض سهو و نسیان در او جایز باشد، ممکن است - به اشتباه یا از سر فراموشی و لغزش یا به عمد - به چیزی امر کند که خدا از آن نهی فرموده، پس اطاعت امر او اطاعت امر خداوند نخواهد بود، و اطاعت از او نه تنها به طور مطلق واجب نیست بلکه جایز هم نیست (رس: امامت، ص ۱۰-۱۱). لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام امر به اطاعت از رسول و ائمه علیهم السلام را به خاطر عصمت ایشان دانسته است (وسائل الشیعه ۲۷/۱۲۹).

روشن است که مردم قدرت تشخیص فرد معصوم و برگزیده الهی را ندارند در نتیجه نمی‌توانند با اتكاء به اندیشه خام و فکر ناتمام خود درباره امامت نظر دهند و برای خود امام برگزینند و خداوند نیز چنین اجازه‌ای به آنان نداده است. پس هر کس براساس فکر خود درباره امامت سخن بگوید - چنان که امام رضا علیه السلام فرمودند - فریب رأی خویش را خورده و دچار جهل شده است.

#### ۴- امامت برتر از نبوت

حضرت امام رضا علیه السلام برای تأکید بر عظمت و بلندی مقام امامت یادآور می‌شوند که پیامبر بزرگی همچون ابراهیم خلیل، با اینکه مقامی بسیار بالا نزد خداوند متعال داشت، قادر مقام امامت بود. و هنگامی به این مقام دست یافت که به توفیق الهی، امتحانات و ابتلایات سخت و دشوار الهی را با صبر و شکیباتی پشت سر نهاد. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

ان الامامة خصّ الله عزوجل بها ابراهیم الخلیل بعد النبوة والخلة، مرتبة ثالثة و فضیلة شرفة  
بها وأشاد بها ذکرہ، فقال: "أني جاعلک للناس ااما"

امامت مقامی است که خدای عزوجل بعد از این که ابراهیم خلیل علیہ السلام را به عنوان  
پیامبر و خلیل خود برگزید، او را به مرتبه امامت مخصوص گردانید. و فضیلتی  
بود که او را به آن مشرف داشت و او را بدان مقام، بلند آوازه ساخت و فرمود:  
"بدرستی که من تو را برای مردم امام قرار دادم"

#### ۵- اختصاص امامت به ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیہ السلام

براساس کلام حضرت امام رضا علیہ السلام اهمیت و عظمت مقام امامت به قدری است که  
حضرت ابراهیم علیہ السلام پس از دستیابی بدان، از فرط شادمانی، از خداوند خواست این مقام  
را برای برخی از افراد خاندان او نیز قرار دهد. اما خداوند با نفی امامت هر ظالمی تا  
روز قیامت، بر اختصاص این مقام به برگزیدگان پاک تأکید فرمود، و با جعل امامت در  
ذریه معصوم و برگزیده حضرت ابراهیم علیہ السلام او را گرامی داشت. امامت همواره در ذریه  
ابراهیم علیہ السلام جریان داشت و صاحبان این مقام در هر دوره‌ای از هم ارث می‌بردند، تا  
اینکه امامت به پیامبر اکرم ﷺ رسید. حضرت امام رضا علیہ السلام با استناد به آیه شریفه (ان  
اولی الناس بابراہیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المؤمنین)<sup>۱</sup>  
می‌فرمایند:

فکانت له خاصّة فقلّدها علیه السلام علیاً علیه السلام بامر الله تعالى على رسم ما فرض الله، فصارت في  
ذریته الأصفیاء الذین آتاهم الله العلم و الايمان بقوله تعالى: (و قال الذين اوتوا العلم و

۱. آل عمران ۶۸: به راستی سزاوارترین مردم به ابراهیم، پیروان او بیند و این پیامبر و کسانی که ایمان آورند. و  
خداوند ولی مومنان است.

الإيمان لقد لبّثتم في كتاب الله إلى يوم البعث) (روم ۵۶) فهو في ولد على علیه السلام خاصة إلى يوم القيمة، إذ لا نبي بعد محمد ﷺ. فمن أين يختار هؤلاء الجهال؟!

پس مقام امامت به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص داشت، و به دستور خدای تعالی آن را به علیه السلام واگذار ساخت، آن چنان که خدای تعالی آن را واجب کرده بود.

سپس این مقام به خاندان او منتقل گردید که خداوند به ایشان علم و ایمان عطا فرموده بود، براساس این گفته خدای تعالی: "و گفتند کسانی که به آنها علم و ایمان داده شد ..." بدین روی امامت تا روز قیامت، به طور خاص در فرزندان علیه السلام است، چرا که بعد از محمد ﷺ پیامبری نیست. این جاهلان از کجا برای خود امام بر می گزینند؟!

در این قسمت نیز حضرت امام رضا علیه السلام به لزوم عصمت امام و ضرورت معرفی امام معصوم از سوی خداوند تأکید می کنند و گزینش امام از سوی مردم را غیرممکن می دانند.

امام علیه السلام مجددًا کسانی را که فریب اندیشه خود را خورده و از قبول امام برگزیده الهی سر باز زده‌اند، جاهل معرفی کرده‌اند.

#### ۶- عظمت مقام امامت

حضرت امام رضا علیه السلام پیشتر فرموده بودند: قدر امامت بالاتر و جایگاه آن سترگ تر و موقعیتش بالاتر و اطرافش دست نیافتنتی تر از آن است که مردم با عقل خود به آن دست یابند. در اینجا به تبیین عظمت این مقام می پردازند و می فرمایند:

إن الامامة هي منزلة الانبياء و ارث الاوصياء. إن الامامة خلافة الله و خلافة الرسول ﷺ،  
و مقام امير المؤمنين علیه السلام، و ميراث الحسن و الحسين علیهم السلام

به راستی امامت جایگاه انبیاء و ارث اوصیاء است. به درستی که امامت، جانشینی خدا و جانشینی رسول خدا<sup>علیهم السلام</sup>، مقام امیرالمؤمنین علیہ السلام و میراث حسن و حسین علیهم السلام است.

امام رضا علیہ السلام در بیان عظمت مقام امامت، به برتر بودن این مقام از نبوت تأکید کرده و فرموده بودند: پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم نیز با اینکه نبی و خلیل خدا بود، و مقامی والا نزد خداوند داشت، فاقد مقام امامت بود و امامت در ظرف نبوت و رسالت به ایشان عطا شد. در این عبارت نیز امام علیہ السلام امامت را مقامی شایسته انبیاء معرفی می‌کنند و یادآور می‌شوند که این مقام جانشینی خداوند و رسول الله در زمین است که تنها امیرالمؤمنین و اولاد معصوم ایشان علیهم السلام شایستگی این مقام را دارند.

#### ۷- نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم

امام رضا علیہ السلام در ادامه، به بیان اهمیت و نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم پرداخته می‌فرمایند:

ان الامامة زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المؤمنين. ان الامامة اس<sup>ر</sup> الاسلام النامي و فرعه السامي.

به راستی امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است، امامت ریشه بالتدبر اسلام و شاخه بلند آن است.

آن حضرت در ادامه کلام، امام را سبب شایسته فرائض دینی همچون نماز، زکات، روزه، حج و جهاد معرفی می‌کنند. نیز امام را مایه فراوانی فیء و صدقات و عامل اجرای حدود و احکام و حفاظت از مرزها و نواحی اسلام می‌دانند و می‌فرمایند:

الامام يحل حلال الله و يحرّم حرام الله و يقيّم حدود الله و يذبّ عن دين الله، و يدعو إلى سبيل ربه بالحكمة والمواعظة الحسنة والحجّة البالغة.

امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌داند، حدود خداوند را برابر با می‌دارد، از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و پند نیکو و دلیل رسا به راه پروردگار خویش می‌خواند.

#### ۸- ابعاد وجودی امام

امام رضا<sup>ع</sup> امام را همچون خورشید فروزانی معرفی می‌کند که به نور خویش جهان را نورانی می‌سازد. در حالی که خود او در افقی دور دست قرار دارد، به گونه‌ای که دست‌ها و چشم‌ها به او نمی‌رسند. براساس کلام آن حضرت، امام، ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور پرتو افکن و ستاره هدایتگر در تاریکی شب‌ها و سرگردانی شهرها و بیابان‌ها و گرداب دریاهاست. امام آب گوارابی برای تشنجی، راهنمای برای هدایت و نجات بخش از تباہی است. امام آتشی بر تیه و گرما بخشی برای کسانی است که به دور او گرد آمده‌اند و در دره‌های هلاکت راهنمایست. پس هرکس از او جدا شود، هلاک می‌شود. امام ابری بارندۀ، بارانی شدید، آفتایی فروزنده، آسمانی سایه افکن، زمینی گسترده، چشم‌های جوشنده، آبگیر و باغ سرسیز است.

سرانجام امام رضا<sup>ع</sup> نسبت امام به مومنان را چنین بیان می‌فرمایند:

الامام الأنبياء الرفيق والوالد الشفيف والأخ الشقيق والأم البرة بالوالد الصغير ومفزع العباد في الداهية الناد.

## ۹- اوصاف و ویژگی‌های امام

امام ائمی رفیق، پدری مهربان، برادری دلسوز و همچون مادری است که به نوزاد کوچک خویش نیکی می‌کند. و پناهگاه بندگان در هنگام ترس و پیشامدهای ناگوار است.

امام رضا علیه السلام برای امام الهی اوصاف و ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد به شرح زیر:

### ۱-۹. امین خدا در میان خلق و حجت خدا بر بندگان

خداآوند دستورات و احکام خود را نزد ائمه به امانت سپرده تا به مردم برسانند و بدین وسیله حجت را بر بندگان تمام کنند. حجت در لغت به معنای دلیل و برهان است (سان العرب ۲۲۸/۲). پس حجت خدا، باید ویژگی‌هایی داشته باشد که با وجود آن، هیچ اشکال و اعتراضی بر خدا وارد نشود و خردگیری از طرف مردم ممکن نگردد (رس: امامت ۸۷). یکی از این ویژگی‌ها، امانت دار بودن است که با عصمت تحقق می‌یابد. ویژگی دیگر، دارا بودن علمی فراتر از دانش همه خلق است. امام رضا علیه السلام در ادامه به این دو ویژگی نیز اشاره می‌کنند.

### ۲-۹. خلیفه خدا در بلاد

خلیفه در لغت، به معنای کسی است که به دنبال دیگری می‌آید، به جای او می‌نشیند و کارهای او را انجام می‌دهد (النها ۶۹/۲، العین ۲۶۷/۴، معجم مقاييس اللغة ۲۱۰/۲). جوهری کسی را که دارای سلطنت و فرمان روایی باشد، خلیفه می‌داند (الصحاب ۱۳۵۶/۴). لذا به کسی که از سوی خداوند دارای سلطنت و حق امر و نهی می‌شود، خلیفه الله می‌گویند. در روایات اهل بیت علیه السلام نیز خلافت به عنوان مقام الاهی معرفی شده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، عيون

خبراء الرضا علیهم السلام ۱۳۹۲). منظور از خلیفة الله بودن امامان علیهم السلام این نیست که آنان در غیبت خداوند بر مستند او تکیه می‌زنند و کارهای او را انجام می‌دهند، بلکه منظور آن است که خداوند به آنها حق امر و نهی و سلطنت عطا فرموده بی‌آنکه مستلزم سلب و کاستی از سلطنت مطلق خود او باشد (رک: دلالت حدیث منزلت بر مقام فرض الطاعه، فصلنامه سفینه، ش ۱۳، ص ۷۴-۷۵). خلافت الهی به این معنا نیز مستلزم علم و عصمت است، چنان که توضیح آن پیشتر گذشت.

### ۳-۹. دعوت کننده به سوی خدا و مدافعان حرم خدا

براساس تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام خداوند، معرفت خود را به همه بندگان خویش عطا فرموده و آنها را به معرفت خویش مفطور ساخته است. اما بندگان در این دنیا از این معرفت غافلند. مشیت خداوند بر این تعلق گرفته که امامان علیهم السلام را اسباب تذکار بندگان قرار دهد و بندگان با تذکر ایشان به خداوند توجه پیدا کنند. به همین جهت حضرت امام رضا علیه السلام دعوت به سوی خدا را به عنوان یکی از ویژگی‌های امام می‌شمارد.

امام رضا علیه السلام یکی دیگر از ویژگی‌های امام را صیانت و دفاع از حرم خداوند می‌داند. شاید مراد از حرم خداوند، همان دین الهی باشد. بدیهی است یکی از وظایف مهم پیامبران، ابلاغ دستورات و معارف الهی و حفظ و صیانت از آن است. این وظیفه بعد از رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام بر دوش امامان معصوم علیهم السلام نهاده شده است (رک: امامت / ۴۸-۵۲).

#### ۴-۹. پاکی از گناهان و مبرا بودن از عیوب (عصمت)

ویژگی‌هایی همچون امین و حجت و خلیفه خدا بودن و دعوت به دین الهی و دفاع از آن، همگی مستلزم عصمت امام و دوری او از گناه و سهو و نسیان و خططا هستند. بر همین اساس امام رضا علیه السلام بر معصوم بودن امام الهی یعنی یعنی پاکی او از گناهان و مبرا بودنش از هر عیوب تأکید می‌فرمایند.

عصمت در لغت به معنای حفظ و منع است (السان العرب ۴۰۳/۱۲). و معصوم کسی است که به واسطه خدا از همه محارم الهی امتناع می‌کند (معانی الاخبار ۱۳۲/۱۳۲). به عبارت دیگر، معصوم مورد تائید خداوند و مصون از خطاهای لغزش‌ها و انحراف‌ها است (کافی ۲۰۳/۱، غیبت نعمانی ۲۲۱). البته اختیار دارد و بر انجام گناه و خططا قدرت دارد، اما هرگز دچار گناه و اشتباه نمی‌شود.

#### ۵-۹. اختصاص علم به امام

از آنجا که امام حجت بر خلق است، باید علم او فراتر از همه خلق باشد تا در پاسخ هیچ مساله‌ای در نماند. و چون مبین و مدافع دین الهی است، باید از همه به دین داناتر باشد (پخارلانوار ۳۹۰/۶۵). همچنین لازمه عصمت، بهره‌مندی از علمی است که امام به واسطه آن گُنه وجودی هر چیز و تمام آثار و پیامدهای آن را به عیان مشاهده کند و با آگاهی کامل از قبح گناه و پیامدهای آن به سوی گناه نزود. لذا امام در روایات، عالمی معرفی شده که جهل در او راه ندارد و خداوند از علم مخزون خویش چیزی به ایشان عطا کرده که به دیگران نداده است. پس علم امامان علیهم السلام فراتر از دانش همگان است؛ خداوند چشمه‌های حکمت را در قلب امام جاری می‌سازد و علم را به او الهام می‌کند.



لذا او در جواب هیچ سؤالی فرو نماند و از راه درست در حیرت نمی‌افتد (کافی ۲۰۱/۱).  
۲۰۲. احتجاج (۴۳۶/۲).

## ۶-۹. موسوم به حلم

خداؤند امر تربیت و هدایت بندگانش را به امام سپرده و این کار، نیازمند برداری مافقه تصور بشر عادی است. لذا امام باید حلم و برداری متناسب با این امر را داشته باشد و خداوند با اعطای علم فراوان و معصوم به امام، او را به این درجه از حلم نیز رسانده است. در نتیجه امام الهی موسوم به حلم است.

## ۷-۹. نظام دین و عزت مسلمین

افراد جامعه همچون دانه‌های تسییح هستند که اگر کسی در رأس امورشان نباشد، اجتماعیان از هم خواهد پاشید (نهج البلاعه، خطبه ۱۴۶). در جامعه دینی امام همچون نخ تسییحی است که مومنان را به هم می‌آورد و موجب انتظام دین می‌گردد (بحار الانوار ۱۰۷/۶). در جامعه دینی باید همه افراد در محدوده شریعت عمل کنند و از آن فراتر نروند، زیرا تجاوز از این حدود، موجب تباہی دین و جامعه دینی است. عمل در محدوده دین نیز ممکن نیست، مگر اینکه خداوند شخصی امین بر بندگان خویش نصب کند تا آنها را در امور مباح نگه دارد و از تجاوز و داخل شدن محرمات باز دارد. در صورت عدم نصب چنین شخصی، هیچ کس از منفعت خویش دست بر نمی‌دارد، حتی اگر موجب تباہی دیگران شود. لذا خداوند امام را به عنوان قیمتی بر بندگان قرار داده تا آنها را از تباہی باز دارد و احکام الهی را در بیان آنها اقامه کند (عین اخبار الرضا ۹۹/۲). گرد آمدن به دور امام الهی که موجب انتظام دین خداست، به طور قطع عزت دینداران را به دنبال می‌آورد.

## ۸-۹. مایه خشم منافقان و هلاکت کافران

نظام دین و عزت مسلمین برای منافقان ناخوشایند است، لذا امام الهی مایه خشم منافقان است. چنان که متدينان به گرد او جمع شوند و جامعه دینی نظام و اقتدار یابد، کافران معاند نیز در صورت عدم تسلیم در برابر این جامعه هلاک خواهند شد.

حضرت امام رضا علیه السلام ویژگی‌های یاد شده را در دو سطر چنین بیان فرموده‌اند:

الامام امین الله في خلقه، و حجته على عباده، و خليقته في بلاده، و الداعي إلى الله، و الذائب عن حرم الله. الامام المطهر من الذنوب والمبرأ من العيوب، المخصوص بالعلم، الموسوم بالحلم، نظام الدين وعز المسلمين وغيظ المنافقين وبوار الكافرين.

امام، امین خدا در میان خلق او، حجت خدا بر بندگانش، خلیفه او در بلاد، دعوت کننده به سوی خداوند، و مدافع حرم الهی است. امام از گناهان پاک و از عیوب مبرأست، علم به او اختصاص دارد و مرسوم به حلم است. نظام دین و عزت مسلمین و سبب خشم منافقان و هلاکت کافران است.

## ۱۰- اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام

براساس آنچه گذشت، امامت منصبی الهی است و خداوند به امام ویژگی‌هایی عطا فرموده که فراتر از حد درک بشر عادی است (رك: منصب امامت مقامی بشری یا فرا بشری، مجله کلام اسلامی، ش ۷۳، صص ۸۶-۱۱۲). پس هرگز نمی‌توان او را با انسان‌های معمولی مقایسه کرد.

حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

الامام واحد دهره، لا يدانيه احد، ولا يعادله عالم ولا يوجد منه بدل ولا له مثل و نظير، مخصوص بالفضل كله من غير طلب منه له ولا اكتساب، بل اختصاص من المفضل الوهاب.

امام یگانه روزگار خویش است، احدي با او برابر نیست، عالمی با او برابر نمی‌کند، بدلي از او یافت نمی‌شود و مثل و نظیری ندارد. خداوند همه فضیلت را به او اختصاص داده است، بدون اینکه درخواستی از سوی امام برای آن باشد و بدون تحصیل، بلکه از ناحیه (خدای) فضیلت بخش عطا کننده بدان اختصاص یافته است.

### ۱۱- ناممکن بودن شناخت و انتخاب امام برای مردم

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> بیان می‌کند که امام از سوی خدا تعیین و توسط پیامبر خدا<sup>صلوات الله علیه و آله و سلم</sup> معرفی شده است. نیز جایگاه بلند و عظمت مقام امامت را توضیح می‌دهد، نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم، ابعاد وجودی و اوصاف و ویژگی‌های امام را تشریح می‌کند، بر اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام تأکید می‌کند. آنگاه روشن می‌سازند که چرا نظریه پردازی و اختلاف درباره امامت را نشانه جهل قوم معرفی کرده و قوای ادراکی بشر را از دسترسی به حقیقت این مقام کوتاه دانسته‌اند. آن حضرت پس از اثبات این ادعا با دلایل روشن و محکم، مجدداً بر آن تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

فمن ذا الذى يبلغ معرفة الامام او يمكنه اختياره؟ هیهات، هیهات، ضللت العقول، و تاهت العلوم، و حارت الالباب، و خسئت العيون، و تصاغرت العظام، و تحيرت الحكماء، و تقاصرت الحكماء، و حضرت الخطباء، و جهلت الالباء، و كلت الشعراء، و عجزت الادباء و عييت البلغاء عن وصف شأن من شأنه أو فضيلة من فضائله، و أقررت بالعجز و التقىصير. و كيف يوصف بكله أو ينعت بكله او يفهم شيء من امره أو يوجد من يقوم مقامه و يغنى عنه، لا، كيف و أني؟ و هو بحيث النجم من يد المتناولين و وصف الواصفين. فأين الاختيار من هذا؟ و اين العقول عن هذا؟ و اين يوجد مثل هذا؟

پس چه کسی است که به شناخت امام برسد و انتخاب امام برای او ممکن باشد؟ هیهات هیهات. خردها گم، خاطره‌ها در حیرت، مغزها سرگردان، چشمها بی‌فروغ، بزرگان کوچک، حکیمان در حیرت، خردورزان ناتوان، خطیبان در تنگنا، هوشمندان نادان، شاعران گنگ، ادبیان در مانده، سخن‌دانان بی‌زیانند از وصف شائني از شؤون امام یا بیان فضیلی از فضائل او؛ و همگی به ناتوانی و کوتاهی معتبرند. چگونه می‌توان همه ویژگی‌های امام را توصیف کرد یا به وصف کنه او رسید یا چیزی از امر او را فهمید یا کسی را که در آن مقام قرار می‌گیرد، یافت و حاجت مربوط به او را برآورده ساخت؟ نه. چگونه و از کجا چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که او همچون ستاره‌ای دور از دسترس دست‌اندازان و توصیف وصف‌کنندگان است. پس اختیار بشر کجا به این پایه می‌رسد؟ و جایگاه عقل در این امر کجاست؟ و چنین امامی از کجا یافت می‌شود؟

## ۱۲- آثار سوء رویگردنی از گزینش الهی و اتکا بر آراء فریبنده

حضرت امام رضا علیه السلام پیشتر با استناد به قرآن، تأکید فرموده بودند که امامت به ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیه السلام اختصاص دارد، این مقام در نسل ایشان تا حضرت رسول اکرم ﷺ جریان دارد؛ و به امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام انتقال یافته است. در اینجا امکان گزینش امام از سوی مردم را به صراحت رد می‌کند، چرا که امامت الهی

در خاندان رسول اکرم ﷺ قرار دارد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

أَنْظُنُونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٌ ﷺ؟

آیا گمان برید که آن مقام در غیر آل رسول ﷺ یافت می‌شود؟

آن حضرت با نفی امامت غیر آل رسول ﷺ، پیامدها و آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و تن ندادن به ولایت امامان الهی علیهم السلام را یاد می کند، و می فرمایند:

كذبتهم و الله انفسهم و منتههم الأباطيل، فارتقوا مرتفقى صعبا دحضا تزل عنه الى الحضيض  
اقدامهم، راموا اقامه الامام بعقل حائرة بائرة ناقصة و آراء مضلة، فلم يزدادوا منه الا بعداً  
قاتلهم الله انى يوفكون. و لقد راموا صعبا و قالوا افكا و ضلوا ضلالا بعيدا و وقعوا في الحيرة،  
إذا تركوا الامام عن بصيرة.

به خدا سوگند خودشان خود را تکذیب کنند و آرزوهای باطل برند و به گردنۀ بلند لغزنده (و پرتگاهی) قدم نهند که قدمهایشان به درۀ پست بلغزد. خواستند با خردهای سرگردان و نارسا و ناقص و آراء گمراه کتنده خویش، امامی بگمارند. پس جز دوری از مقصد بهره‌های نبردن. خداوند آنها را بکشد! تا کی دروغ می گویند؟ به پرتگاه دشواری در آمدند، دروغ بافتند، سخت به گمراهی افتادند و در حیرت و سرگردانی قرار گرفتند، آنگاه که آگاهانه امام را ترک کردند.

پیشتر بیان شد که حضرت امام رضا علیه السلام جهل قوم را عامل اصلی عدم معرفت امام و اختلاف درباره امامت معرفی فرمودند. در آنجا اشاره شد که مراد از جهل، مخالفت با درک عقل است. عبارت اخیر امام علیه السلام مؤید این مطلب است که فرمودند: گرفتاری‌های قوم به آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی، آنگاه دامنگیر آنان شد که آگاهانه امام الهی را ترک کردند. حضرت علی بن موسی علیه السلام با استشهاد به آیه شریفه (و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدّهم عن السبيل و كانوا مستبصرين)<sup>۱</sup>. عامل رویگردانی از انتخاب خدا و

۱. عنکبوت / ۲۸: شیطان کارهایشان را در برابر شان آراست و آنها را از راه به در برد با آنکه حق جلوی چشمشان بود.

می فرماید:

رسول ﷺ را فریب خوردن از شیطان دانسته‌اند. آن حضرت برای اثبات گمراهی آنان

از گزینش خدا و گزینش رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ به انتخاب خویش روی گردانند، در حالی که قرآن به آنها ندا می‌کند: (و ربک يخلق ما يشاء و يختار ما كان لهم الخيرة سبحان الله عما يشركون)<sup>۱</sup> و می‌فرماید: (و ما كان لمؤمن و لا مومنة اذا قضى الله و رسوله امرا ان يكون لهم الخيرة من امرهم)<sup>۲</sup>. امام رضا علیه السلام سپس در برابر قوم، به خاطر عدم تدبیر در قرآن و تن ندادن به حکم خدا درباره امامت، آیات زیر را قرائت فرمودند: آیات ۴۱-۳۶ سوره ی قلم، آیه ۸۷ سوره توبه، آیه ۹۳ سوره بقره، آیه ۲۴ سوره محمد، آیات ۲۰-۲۳ سوره انفال.

و در نهایت با استناد به آیه شریفه (فضل الله يوتیه من يشاء والله ذو الفضل العظیم)<sup>۳</sup> امامت را غیراکتسابی و فضلی از سوی خداوند معرفی می‌کنند.

**۱۳- تأکیدی دوباره بر نفی حق انتخاب امام از سوی مردم و ادله آن**  
 امام رضا علیه السلام مجددا هرگونه اختیار و حق انتخاب مردم در تعیین امام را نفی می‌کنند و می‌فرمایند:

پس چگونه ممکن است مردم در انتخاب امام اختیار داشته باشند در حالی که امام:

۱. قصص/۶۸: و پروردگار تو می‌آفریند آنچه را که می‌خواهد و برمی‌گزیند. آنها را حق گزینش نیست پاک و منزه است خداوند از آنچه شرک می‌ورزند.

۲. احزاب/۳۶: هیچ مرد و زن مولنی حق ندارد که وقتی خدا و رسول او به امری حکم کرند، اختیاری درباره ای امرشان داشته باشند.

۳. حدید/۲۱: فضل خداوند است که به هر کس بخواهد عطا می‌کند و خداوند صاحب فضل عظیم است.



- ۱- عالمی است که جهل در او راه ندارد.
- ۲- سرپرستی است که از بار مسئولیت شانه خالی نمی‌کند
- ۳- معدن قداست و پاکیزگی و نور و زهد و علم و عبادت است
- ۴- دعوت رسول خدا<sup>صلوات الله عليه و آله و سلم</sup> به او اختصاص دارد (رسول خدا<sup>صلوات الله عليه و آله و سلم</sup> مردم را تنها به سوی او می‌خواند)
- ۵- از نسل حضرت مطهره بتول است
- ۶- در نسب او هیچ نقطه تاریکی نیست
- ۷- هیچ صاحب شرافتی از قریش در بیت به او نزدیک نمی‌شود
- ۸- از کنگره رفیع هاشم است
- ۹- از عترت رسول خدا<sup>صلوات الله عليه و آله و سلم</sup> است
- ۱۰- مورد رضایت خدای عزوجل است
- ۱۱- شرف اشراف است
- ۱۲- شاخه‌ای از عبد مناف است
- ۱۳- رشد دهنده علم است
- ۱۴- حلم او کامل است
- ۱۵- مملو از امامت است
- ۱۶- عالم به سیاست است
- ۱۷- اطاعت‌ش واجب است
- ۱۸- قیام کننده به امر خداوند است

## ۱۹- خیر خواه بندگان خداست

۲۰- حافظ دین الهی است

حضرت امام رضا علیه السلام باز هم بعد از بر شمردن ویژگی های امام بر اختصاصی و الهی بودن علم ایشان تأکید می کنند و می فرمایند:

ان الانبياء و الائمه صلوات الله عليهم يوْقَهُمُ اللَّهُ وَيُؤْتِيهِم مِنْ مخزون علمه و حكمه ما لا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عَلَيْهِمْ فَوْقُ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ.

خداؤند به پیامبران و امامان صلوات الله عليهم توفيق می دهد و از مخزون علم و حکمت های خویش به آنان چیز هایی عطا می فرماید که به غیر ایشان نمی دهد، پس علم ایشان بالاتر از علم اهل زمان است.

آن حضرت سپس آیاتی را قرائت می فرمایند که در آنها به لزوم عالم بودن امام هدایتگر اشاره شده و از اعطای علم به پیامبران و حجت های خداوند سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup> امام رضا علیه السلام یادآور می شوند که آیه (انزل عليك الكتاب و الحكمه و عملک ما لم تكن تعلم و كان فضل الله عليك عظيما) درباره پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است.

## ۱۴- مُلْك عظيم

آن حضرت همچنین فرمودند:

و قال في الائمة من اهل بيته و عترته و ذريته صلوات الله عليهم: (ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل إبراهيم الكتاب و الحكمة و آتيناهم ملكا عظيما فمنهم من آمن به و منهم من صد عنه و كفى بجهنم سعيرا).

۱. آیاتی که امام رضا علیه السلام قرائت فرموده اند، عبارتند از: آیه ۳۵ سوره یونس، آیات ۲۶۹ و ۲۴۷ سوره ی بقره.  
۲. نساء/۱۳۳: کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد، و آنچه را نمی دانستی به تو تعلیم داد. و فضل خداوند بر تو سترگ است.

و درباره امامان از اهل بیت و عترت و ذریه پیامبرش صلوات الله علیهم فرمود: "آیا به مردم حسد می‌ورزند به خاطر آنچه خداوند از فضل خویش به ایشان عطا کرده است؟ البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به ایشان ملک و سلطنتی عظیم عطا کردیم، پس گروهی از مردم به آن ایمان آورده و برخی از آنان رویگردان شدند و همین بس که جهنم آتشی افروخته است".

ملک در لغت به معنای سلطنت و استیلا همراه با حق تصرف است (جمع البحرين ۲۹۰/۵، المحکم والمحیط الاعظم ۵۴/۷). در قرآن مجید نیز ملک به معنای امریت و سلطنت به کار رفته است (بقره ۲۴۷، زخرف ۵۱) و احادیث ملک عظیم را امامت و فرض الطاعه معنی کرده‌اند (صائر الدرجات ۳۵ و ۵۰۹، کافی ۲۰۶/۱، کتاب سلیم بن قیس هلالی ۴۲، امالی صدوق ۵۲۲، تفسیر نور الثقلین ۴۵۹/۴). به نظر می‌رسد وصف "عظیم" بیانگر ذو مراتب بودن ملک است، یعنی صاحب ملک عظیم مرتبه بالاتر استیلا را دارد. همچنین ممکن است وصف "عظیم" از آن جهت باشد که گستره ملک ائمه علیللا عظیم‌تر از درک و تصور ماست (رس: بررسی مفهوم امامت در پژوهایه‌ی ملک عظیم، مجله سفینه، ش ۱۵، ص ۶۸-۶۹).

حضرت امام رضا علیللا با تصریح به نزول آیه ملک عظیم درباره امامان اهل بیت علیللا چند نکته مهم را بیان کرده‌اند.

اول اینکه ائمه اهل بیت علیللا از نسل حضرت ابراهیم خلیل هستند و خداوند در آیه امامت حضرت ابراهیم علیللا، ضمن نفی امامت ظالم، بر اختصاص این مقام به برگزیدگان پاک از فرزندان حضرت ابراهیم علیللا تأکید فرموده است.

نکته دوم اعطایی بودن مقام امامت است، چرا که خداوند در این آیه از اعطای این مقام سخن گفته است.

سومین نکته تأکید بر عظیم بودن مقام امامت است، تا آنجا که اندیشه‌های ناقص بشری از درک آن ناتوان است.

نکته چهارم اینکه مهمترین عامل مخالفت با امامت الهی اهل بیت علی‌آل‌الله در این آیه حسادت معرفی شده است، یعنی همان عاملی که سبب عصیان متکبرانه شیطان و رانده شدن او از درگاه الهی شد.

پنجمین و آخرین نکته نیز این که سرنوشت مخالفت کنندگان با امام الهی ورود به دوزخ است.

### نتیجه‌گیری

عبارات پایانی حدیث نورانی حضرت امام رضا علی‌آل‌الله را می‌توان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کل کلمات آن حضرت در این حدیث شریف شمرد. امام رضا علی‌آل‌الله در این عبارات یادآور می‌شوند که امامت الهی مستلزم خصوصیات و ویژگی‌هایی است که خداوند، پیش از اعطای این مقام به بنده برگریده خویش عطا می‌کند. مهمترین ویژگی‌ها شرح صدر، علم و حکمت و عصمت است. براساس کلام امام رضا علی‌آل‌الله با دara شدن این ویژگی‌ها حجت خدا بر بندگانش و شاهد او بر خلق می‌شود. این مقام با چنان ویژگی‌هایی فضل خداوند متعال است که به هر که خواهد می‌دهد، اما مردم هرگز قادر به گزینش چنین فردی از میان خود نیستند و برگریده آنها نیز به هیچ وجه از ویژگی‌های یاد شده بهره‌ای ندارد تا او را پیش بیاندازند.

به همین جهت رویگردانی از انتخاب الهی و روی آوردن به گزینش مردم، در حقیقت سرکشی و پشت سرانداختن کتاب خداوند است و سرکشان و مخالفت کنندگان با قرآن، سزاوار ذم و نکوهش و نگونبختی هستند.

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> می فرمایند:

ان العبد اذا اختاره الله عزوجل لامور عباده، شرح صدره لذلك، و اودع قلبه ينابيع الحكمه، و ألهمه العلم إلهاما، فلم يعي بعده بجواب و لا يحير فيه عن الصواب. فهو معصوم مويد موفق مسدد، قد أمن من الخطايا و الزلل و العثار، يخصه الله بذلك ليكون حجته البالغة على عباده و شاهده على خلقه. و ذلك فضل الله يوميه، يشاء والله ذو الفضل العظيم. فهل يقدرون على مثل هذا فيختارونه؟ أو يكون مختارهم بهذه الصفة فيقدمونه؟ تدعوا - و

بيت الله - الحق و نبذوا كتاب الله وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون.

و في كتاب الله الهدى والشفاء، فنبذوه و اتبعوا أهواءهم، فذمهم الله و مقتهم و أتعسهم، فقال جل و تعالى: (و من أضل من اتبع هواه بغير هدى من الله ان الله لا يهدى القوم الظالمين)، و قال: (فتعسا لهم وأضل أعمالهم)، و قال: (كبر مقتا عند الله و عند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار

و صلى الله على النبي محمد و آل و سلم تسليما كثيرا).

به راستی چون خدا بندهای را برای اصلاح کار بندگان خود برگزیند، به او شرح صدر بخشد، در دلش چشمehای حکمت و فرزانگی بجوشاند، و دانش خود را از راه الهام به او آموزد که در پاسخ به هیچ پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند معصوم است و مشمول کمک و تایید او است.

از خطا و لغش و برخورد ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از خلقوش باشد که او را درک کند.

این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است. آیا بشر قادر است که چنین امامی برگزیند؟ یا منتخب آنها دارای چنین صفاتی بوده که او را پیش اندخته‌اند؟ به حق خانه خدا که تعالیٰ کردند و قرآن را پشت سر انداختند، گویی که مطلب را نمی‌دانند، هدایت و شفا در کتاب خدا است که پشت بدان دادند و پیرو هوای خود شدند و خدا آنها را نکوهید و دشمن داشت و (به کیفر کردارشان) به بدختی گرفتار ساخت.

و فرمود (۵۰ سوره قصص): "کیست گمراهتر از آنکه پیرو هوس خویش است، بی‌رهبری از جانب خدا، به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند" و فرمود (۳۵ سوره غافر): "بزرگ است در دشمنی نزد خدا و آنها که گرویدند، همچنان خدا بر دل هر متکبر جباری مهر زند". و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسليماً کثیراً.

## منابع

۱. نهج البلاغه
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، تحقيق طاهر احمد زاوي و محمود محمد طناхи. القاهرة، داراجياء الكتب العربية، ۱۳۸۷ق.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحيط الاعظم، بیروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، تصحيح عبدالسلام محمدهارون، القاهرة، مكتبة مصطفى الباجي الحلبي وأولاده، ۱۳۸۶ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۸ق.پ.
۶. بیانی اسکوئی، محمد، امامت. تهران، نیا، ۱۳۹۰ش.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقيق احمد بن عبد الغفور عطار، مصر، دارالكتب العربي.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشیعه، تهران، مکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.



٩. حلى، الحسن بن سليمان، مختصر البصائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤٢١.
١٠. الحويزى، عبد على بن جمعة، تفسير نور التلذين، تحقيق السيد هاشم الرسولى المحلاوى، قم، مؤسسة اسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٢\_١٣٧٠.
١١. صدق، محمد بن على، الامالى، قم، مركز الطباعة و النشر فى مؤسسة العنة، ١٤١٧.
١٢. \_\_\_\_\_، علل الشرابع، تحقيق سيد محمد صادق بحرالعلوم، نجف، منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، ١٣٨٥\_١٩٦٦.
١٣. \_\_\_\_\_، عيون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، تحقيق حسين الأعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤\_١٩٨٤.
١٤. \_\_\_\_\_، معانى الاخبار، تهران، مكتبة الصدق، قم، مؤسسة دارالعلم، ١٣٧٩.
١٥. \_\_\_\_\_، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، ١٤٠٣ ق.
١٦. صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تبریز، شرکت چاپ کتاب تبریز، ١٣٨١ ق.
١٧. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، تحقيق السيد محمد باقر الخراسان، نجف، دارالنعمان للطباعة والنشر، ١٣٨٦\_١٩٦٦.
١٨. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجتمع البحرين، تهران، المکتبة المرتضویة.
١٩. غلامی، اصغر، مفهوم امامت در پرتو آیه ابلاعی حضرت ابراهیم<sup>ع</sup>، فصلنامه سفینه، سال پنجم، شماره ١٧، زمستان ١٣٨٦، ١١٥\_١٣٩.
٢٠. \_\_\_\_\_، دلالت حدیث منزلت بر مقام فرض الطاعه، فصلنامه سفینه، سال چهارم، شماره ١٣، زمستان ١٣٨٥، ٩١\_٩٦٧.
٢١. \_\_\_\_\_، بررسی مفهوم امامت در پرتو آیه ملک عظیم، فصلنامه سفینه، سال چهارم، شماره ١٥، تابستان ١٣٨٦، ٩١\_٦٦.
٢٢. \_\_\_\_\_، منصب امامت مقامی بشری یا فراپوشی، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال نوزدهم، شماره ٧٣، بهار ١٣٨٩، ٨٦\_١٣٨٩.
٢٣. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دارالهجره، ١٤٠٥ ق.
٢٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الكافی ، تهران، مؤسسه دارالكتب الاسلامیة.
٢٥. مجلسی، محمد باقر ، بحار الانوار، تهران، دارالكتب الاسلامیة.
٢٦. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة، تحقيق علی اکبر الغفاری، تهران، مکتبة الصدق.
٢٧. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقيق محمد باقر الانصاری الزنجانی الخوئینی، قم، نشر الهدای، ١٤١٥\_١٣٧٣.